



12 ژانویه 2026

بارها گفته شده، مقاله نوشته شده و کتاب منتشر شده که ایران باید وارد مرحله تشکیل «مجلس مؤسسان» شود تا یک قانون اساسی جدید برای یک حکومت پارلمانی نوشته و تصویب گردد.

پس از تعیین ساختار سیاسی و قانون اساسی جدید از طریق رأی مردم، آنگاه رهبران انتخاب خواهند شد.

اگر امروز، پیش از تعیین ساختار و قانون اساسی، برای کشور رهبر تعیین شود، همان فاجعه‌ای تکرار خواهد شد که در سال ۱۳۵۷ شاهدش بودیم.

در داخل ایران امروز ده‌ها تشکیلات، جریان و حزب سیاسی وجود دارد که هر کدام مرانامه و سابقه تاریخی خود را دارند؛ از جمله: جبهه ملی، حزب توده، پان‌ایرانیست، مجاهدین، اصول‌گرایان، اصلاح‌طلبان، نوحه‌خوانان، بی‌خدایان، ملی - مذهبی‌ها، سلطنت‌طلبان، مشروطه‌خواهان، پهلوی‌خواهان، پادشاهی‌خواهان، جمهوری‌خواهان، لائیسیت‌خواهان و غیره.

هر یک از این گروه‌ها رهبران و شخصیت‌های مورد نظر خود را دارند.

اگر قرار باشد یکی از رؤسای همین گروه‌ها که دستگاه تبلیغاتی بزرگتری دارند، به عنوان رهبر مردم کف خیابان معرفی شود - مردمی که عملاً شروع‌کننده این انقلاب هستند - و اگر این انقلاب به سرنگونی رژیم کنونی منجر شود، طبیعی است که اولین اقدام آن گروه، نوشتن قانون اساسی جدید به نفع خودشان خواهد بود.

این امر کاملاً طبیعی است و فاجعه‌ی خمینی نیز در حقیقت از دل همین نوشتن قانون اساسی به سود خود بیرون آمد.

خمینی از زمانی که در پاریس بود تا فراندوم ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ - که می‌توان آن را «دوران طلایی امام» نامید - درباره قانون اساسی حرف‌های زیبا می‌زد؛ اما پس از فراندوم، با خدعه، حذف مخالفان و سرانجام کنار زدن و مرگ آیت‌الله طالقانی، حکومت اسلامی مورد نظر خود را عیناً مطابق آنچه ۹ سال قبل از انقلاب در کتابش نوشته بود، پیاده کرد.

این تجربه باید ملت ایران را هوشیار کند که به دنبال «رهبرتراشی» نباشند، بلکه به جای آن خواستار تشکیل مجلس مؤسسان و تدوین قانون اساسی یک حکومت پارلمانی جدید توسط آن مجلس باشند.

English Translation

Repeatedly, it has been stated, written in articles, and discussed in books that Iran must move toward forming a Constitutional Assembly, so that a new constitution for a parliamentary system of government may be drafted and ratified.

Only after the political structure and the constitution are defined through the vote of the people, should leaders be elected.

If leadership is imposed now — before defining the structure and the constitution — the nation will face the same disaster it witnessed in 1979.

Today, inside Iran, there are dozens of organizations, movements, and political parties, each with its own historical background and manifesto: the National Front, the Tudeh Party, Pan-Iranists, the Mojahedin, conservatives, reformists, religious chanters, atheists, National-Religious, monarchists, constitutionalists, Pahlavi supporters, royalists, republicans, advocates of laïcité, and others.

Each of these groups has its own leaders and prominent figures.

If one of the leaders of these groups — particularly those with greater access to media — is imposed as the leader of the people in the streets, who are the true initiators of the current uprising, and if this uprising results in the overthrow of the current regime, then naturally, the first act of that group will be to draft a new constitution that serves its own interests.

This is natural, and the tragedy of Khomeini's rise was, in essence, the drafting of a constitution that served his own Islamic government project.

From the time Khomeini was in Paris until the referendum of April 1, 1979 — the period often called “the Imam's Golden Era” — he spoke beautifully about the constitution. But after the referendum, through deceit, the elimination of opponents, and ultimately the death of Ayatollah Taleghani, he implemented exactly the Islamic government he had outlined nine years before the revolution in his book.

This historical experience should make the Iranian people vigilant: instead of manufacturing a leader, they should demand the formation of a Constitutional Assembly and the drafting of a new parliamentary constitution by that assembly.

www.CrusForce.org